

اعتراضات «دست‌تان را کوتاه کنید!»؛ شورشی علیه نخبگان اقتصادی در آمریکا

در پنجم آوریل ۲۰۲۵، ده‌ها هزار آمریکایی در بیش از هزار تجمع اعتراضی در تمامی پنجاه ایالت آمریکا به خیابان‌ها و میدان‌های عمومی آمدند و با شعار «دست‌تان را کوتاه کنید!» خواستار تغییری جمعی شدند. صد خانواده از میلیاردرها در انتخابات ۲۰۲۴ مبلغی معادل ۲٫۶ میلیارد دلار کمک مالی کردند که ۷۰ درصد آن به جمهوری خواهان، از جمله دونالد ترامپ، اختصاص یافت؛ امری که نفوذ آنان بر سیاست‌ها را تقویت کرد. از چمن‌زار مقابل بنای یادبود واشنگتن در پایتخت تا تالارهای آرام شهرداری در اوهایو، معترضان خشم خود را از نظام سیاسی‌ای ابراز کردند که آن را خدمت‌گزار ثروتمندان به بهای مصالح عمومی می‌دانند. سازمان‌دهندگان تخمین زدند که صدها هزار نفر در این اعتراضات شرکت کردند. این رویدادها، دولت رئیس‌جمهور دونالد ترامپ را هدف قراردادند و او را نمادی آشکار از سلطه اقتصادی توصیف کردند؛ معترضین اغلب از آن با عنوان «تصاحب‌اللیگاری قدرتی» یاد می‌کردند. بدون داشتن رهبری واحد، این اعتراضات پرده از نارضایتی عمیق مردم آمریکا از حکومتی برداشت که به‌نظر می‌رسد ثروتمندان را بر دیگران ترجیح می‌دهد؛ نارضایتی‌ای که در پی دهه‌ها بی‌اعتمادی انباشته‌شده ریشه دارد و در نتیجه سیاست‌های اخیر شدت یافته است.

آمریکایی‌ها همواره به این گمان مشکوک بوده‌اند که مسئولان منتخب‌شان منافع ثروتمندان را بر انسان عادی مقدم می‌دارند. نظرسنجی‌ها از فرسایش مداوم اعتماد عمومی به نهادها حکایت دارند؛ زیرا بسیاری بر این باورند که منافع شرکت‌های بزرگ، بر روند سیاست‌گذاری مسلط است. اعتراضات «دست‌تان را کوتاه کنید!» این احساس را تشدید کرد؛ معترضان ترامپ و مشاورش ایلان ماسک را «لیگارش»‌هایی خواندند که ملت را به‌سوی منافع شخصی سوق می‌دهند. آنان به اخراج ۱۲۱۰۳۶۱ کارمند فدرال تا تاریخ ۲۸ مارس، به گزارش شبکه CNN اشاره کردند و این اقدام را گامی در راستای تضعیف خدمات دولتی به سود بودجه‌هایی دانستند که ادعا می‌شود در خدمت منافع خاص هستند. همچنین، تعرفه‌هایی که در اول آوریل وضع شدند، موجب ناآرامی‌های بیشتر شدند؛ معترضان این تعرفه‌ها را علت کاهش بازار سهام دانستند که بودجه خانواده‌ها را تهدید می‌کند، درحالی‌که صنایع خاصی را محافظت می‌نماید. اصطلاح «لیگاری» در این اعتراضات به نقطه عطفی اشاره دارد که نارضایتی عمومی را به روایتی از مبارزه طبقاتی میان مردم عادی و اقلیتی ممتاز تبدیل کرده است.

مطالبات معترضان با شفافیت بیان‌شده‌اند و همگی بر عدالت اقتصادی تمرکز دارند. نخست، آن‌ها خواهان توقف آنچه «تصاحب قدرت توسط میلیاردرها» می‌نامند، هستند. رهبری ماسک بر «بخش بهره‌وری دولت» نهاد تازه تأسیسی که با هدف کاهش هزینه‌های دولت فدرال راه‌اندازی شده هدف انتقاد قرار گرفته است. بسیاری آن را ابزاری برای انتقال منابع عمومی به‌سوی ثروت‌های خصوصی می‌دانند. بازنشستگان و اعضای اتحادیه‌ها نسبت به آینده تأمین اجتماعی، تکیه‌گاه حیاتی ۷۳ میلیون آمریکایی ابراز نگرانی کردند؛ چراکه می‌ترسند کاهش‌هایی در راه باشد تا زمینه کاهش مالیات برای نخبگان فراهم شود. در گردهمایی‌های تگزاس و ویرجینیا، کهنه‌سربازان پلاکاردهایی در حمایت از حقوق بازنشستگی خود در دست داشتند؛ حقوقی که از رهگذر سال‌ها خدمت به‌دست آورده‌اند. دومین مطالبه معترضان، پایان دادن به سیاست‌هایی بود که به کارگران آسیب می‌زند. آن‌ها همچنین یورش‌های مهاجرتی را موردانتقاد قراردادند و آن‌ها را اقدامی انحرافی دانستند که توجهات را از ایجاد شغل و افزایش دستمزد منحرف می‌کند. از نگاه معترضان، این نگرانی‌ها حکایت از نظامی دارد که پیوسته به‌سوی ثروتمندان متمایل است؛ الگویی که آن را در دولت‌های مختلف تکرارشونده می‌بینند.

سیاست‌های ترامپ هدفی آشکار برای این خشم اقتصادی بودند. تعرفه‌هایی که او در نخستین روز آوریل اعمال کرد، بازارهای مالی را به لرزه درآوردند و بسیاری، شرایط مبهم حاصل از آن را فشار مستقیمی بر خانواده‌های کارگر دانستند. کاهش بودجه در نهادهایی چون اداره تأمین اجتماعی نیز نگرانی‌هایی را درباره دسترسی به خدمات اساسی برانگیخت. در فلوریدا، در نزدیکی زمین گلف ترامپ در پالم بیچ گاردنز، جمعیت علیه این تصمیمات شعار می‌دادند و آن‌ها را اولویت‌دادن به ساده‌سازی فعالیت‌های شرکت‌ها به بهای رفاه انسانی توصیف کردند. باین‌حال، این نارضایتی بازتاب شکایاتی است که پیش‌ازاین نیز وجود داشته است. دولت‌های پیشین نیز با اتهاماتی مشابه روبه‌رو بوده‌اند، چه در زمینه نجات بانک‌ها در زمان بحران‌های مالی و چه در تصویب قوانین مالیاتی‌ای که سود آن بیشتر نصیب ثروتمندان می‌شود. با آن‌که ترامپ در مرکز توجه

قرار گرفته، معترضان او را نشانه‌ای از مشکلی ژرف‌تر می‌دانند؛ مشکلی که در آن، نخبگان اقتصادی مسیر حرکت کشور را تعیین می‌کنند، غالباً به بهای مردمی که برای بقای آن تلاش می‌کنند.

گسترده‌گی ترکیب معترضان، عمق این ناآرامی را نشان داد. در بوستون، بازنشستگان در کنار دانشجویان ایستاده بودند و همگی خواهان حفظ برنامه‌های فدرال بودند. در انکوریج آلاسکا، پلاکاردهایی با مضمون «دست‌تان را از تأمین اجتماعی ما کوتاه کنید» به چشم می‌خورد؛ پیامی که در خیابان‌های داغ میامی نیز تکرار می‌شد. طبق نظرسنجی رویترز/ایپسوس، میزان حمایت از ترامپ به 43٪ کاهش یافته که نسبت به 47٪ هنگام تحلیف او در ژانویه، افت داشته است و این نشانگر افزایش نارضایتی عمومی از مسیر رهبری اوست. این تجمع‌ها پرسشی فراگیر را در ذهن‌ها ایجاد می‌کند. معترضان رد یک نظام را فریاد می‌زنند؛ نظامی که در نظر آن‌ها به نخبگان اولویت می‌دهد. هیچ نشانه‌ای از بهبود در برابری اقتصادی به چشم نمی‌خورد و اعتراضات بیشتری در افق دیده می‌شود، چراکه مردم خواهان دولتی هستند که نیازهای آنان را مقدم بر منافع طبقه میلیاردرها بداند.

معترضان در شهرهایی همچون لس‌آنجلس و پورتلند با قاطعیت راهپیمایی کردند و پلاکاردهایشان آنچه را که «خیانت به اعتماد عمومی» می‌دانستند، محکوم می‌کرد. در شارلوت، کارولینای شمالی، صداهایی بلند شد علیه کاهش بودجه در آموزش و خدمات مربوط به کهنه‌سربازان و این مشکلات محلی را به روایت ملی‌ای از زیاده‌روی نخبگان پیوند می‌داد. برگزارکنندگان، از جمله گروه‌هایی مانند «این‌دویزیبل»، بر اهمیت این رویداد تأکید داشتند و آن را تلاشی برای یادآوری مسئولیت رهبران نسبت به مردم قلمداد می‌کردند. وسعت این جنبش که به همه ایالت‌ها سرایت کرده، حاکی از باور مشترکی است مبنی بر اینکه قدرت اقتصادی، بیش‌ازحد، از دسترس بسیاری از مردم خارج شده است.

اعتراضات «دست‌تان را کوتاه کنید!» نماد ملتی است که از رهبرانی که وفادار به نخبگان اقتصادی تلقی می‌شوند، به ستوه آمده‌اند. ترامپ که روز خود را در حال بازی گلف در فلوریدا گذراند، در نگاه بسیاری از معترضان، تجسم همین شکاف است. این اعتراضات یادآور جنبش «اشغال وال‌استریت» پس از فروپاشی مالی سال ۲۰۰۸ هستند و شکاف فزاینده طبقاتی را زیر حاکمیت جمهوری خواهان و دموکرات‌ها به‌طور یکسان برجسته می‌سازند و به افزایش بی‌اعتمادی عمومی به نظامی اشاره دارند که به‌نظر می‌رسد فقط در خدمت نخبگان است.

برگرفته از شماره ۵۴۵ جریده الرایه